

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باسمه تعالی



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب حوریه سلوولر معتمد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان‌نامه/رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارایه نشده است. در صورت اثبات تخلف، (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو
حوریه سلوولر

امضاء



مفاهیم عاشقانه و عارفانه در دیوان خاقانی

نکارش:

حوریه نیکوکار

استاد راهنما: دکتر رسول چهرقانی منتظر

استاد مشاور: دکتر یدالله بهمنی مطلق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دیماه ۱۳۹۱

شماره: ۲۰۹۸/۱۲
تاریخ: ۹۴۰۵۰۱۳
پوست:



بسمه تعالی

دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی

صور تجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد سرکارخانم حوریه نیکوکار رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان: مفاهیم عاشقانه-عارفانه در دیوان خاقانی، که در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۶ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی برگزار گردید و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید.

قبول (بدرجه بسیار خوب امتیاز ۱۸۱۵) دفاع مجدد مردود.

۱- عالی (۱۹-۲۰)

۲- بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹)

۳- خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

۴- قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹)

۵- غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴)

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضاء
	استادیار	دکتر رسول چهرقانی	استاد راهنما
	استادیار	دکتر یداله بهمنی	استاد مشاور
	استادیار	دکتر علی اکبر افراسیاب پور	استاد داور داخلی
	استاد	دکتر سعید واعظ	استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر رضا نجاتی	نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر غلامعلی احمدی
رئیس دانشکده علوم انسانی

تهران، لویزان، کد پستی: ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸
صندوق پستی: ۱۶۳-۱۶۷۸۵
تلفن: ۲۲۹۷۰۰۶۰-۹ فکس: ۲۲۹۷۰۰۲۳
Email: sru@sru.ac.ir
www.srttu.edu

تقدیم به پدر و مادرم که دریای بی کران فداکاری و عشق هستند
و وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر

تقدیم به همسرم اسطوره زندگیم، پناهگاه خستگی و امید بودنم

تقدیم به فرزندان دوقلویم فائزه و فاضله که به طراوت شبنم
می مانند.

قدردانی:

سپاس خدایی را که به من توفیق داد تا عمر گرانبهای خویش را در جهت کسب دانش و خدمت به خلق به کار بندم، خدا را شاکرم از اینکه توفیق نگارش این رساله را به من عطا فرمود تا راهی باشد برای یافتن ردپایی از سلوک و ذخیره ای برای آخرت و اینکه دریابم عشق با معشوق حقیقی مقدس و ارزشمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از تمام استادانی که مرا یاری کردند تا خوشه چین علمشان باشم قدر دانی و سپاسگزاری می نمایم.

از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر چهرقانی که راهنمای من در تمام طول تحقیق بودند بی نهایت سپاسگزارم.

همچنین از آقای دکتر بهمنی و آقای دکتر افراسیاب پور کمال تشکر و قدر دانی را دارم .

از همسرم به خاطر بی نهایت صبوری و همکاری که در طول نگارش این رساله با من داشتند تشکر و قدر دانی می کنم.

چکیده:

خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ هـ.ق) شاعر پارسی گوی خطّه ایران (آذربایجان امروزی در شمال رود ارس) به زعم تذکره نویسان ادب فارسی به جمله علوم عصر خویش واقف بوده و در غالب، قالبهای شعری طبع آزمایی کرده است؛ ولی شهرت او بیشتر مرهون قصاید غرّای اوست.

خاقانی، قصیده سرا و مضمون آفرین بی همتا، همیشه از شاعرانی بوده که اهل ادب از خواندن اشعارش التذاذ روحی حاصل کرده و در عین حال از افتادن در سنگلاخهای برخی مضامین دور از دسترسش بیمناک بوده اند. این شاعر بلند آوازه عشق و عرفان را به شیوه زیبا و دلنشین در اشعارش بیان کرده است. عشق در اشعار او بیشتر عشق زمینی می باشد و در اندک مواردی به عشق حقیقی و عرفانی نیز نظر داشته است.

عرفان او نیز عرفان نظری است در حقیقت خاقانی مرد راه عرفان نبوده و از عرفان عملی بهره ای نبرده است؛ ولی مهارت زیادی در سرودن اشعار عرفانی داشته و به زیبایی به راه و روش و سیر و سلوک عرفان اشاره کرده است. سخنگوی شروان مسائل عرفانی را بیشتر در قالب قصیده بیان کرده و اشعار عاشقانه را در قالب غزلیات گنجانده است.

در این تحقیق سعی بر آن است که بعد از تعریف عشق و عرفان، نمونه هایی از این دو موضوع مورد بحث را در دیوان این شاعر بررسی کرده و به تقسیم بندی های مختلف آن پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: خاقانی، عرفان، عشق، قصاید و غزلیات

فهرست مطالب

چکیده..... ۱

پیشگفتار..... ۲

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱: عنوان کامل تحقیق..... ۲

۲-۱: بیان مسأله تحقیق..... ۲

۳-۱: پرسش های تحقیق..... ۲

۴-۱: اهمّیت و ضرورت تحقیق..... ۳

۵-۱: پیشینه تحقیق..... ۳

۶-۱: اهداف تحقیق..... ۳

۷-۱: روش تحقیق..... ۳

فصل دوم: زندگی نامه خاقانی

۱-۲: تولّد و دوران حیات..... ۵

۲-۲: شاعران معاصر خاقانی..... ۶

۳-۲: آثار خاقانی..... ۷

۴-۲: شیوه سخن خاقانی..... ۸

۵-۲: مذهب و گرایش صوفیانه خاقانی..... ۱۰

۶-۲: اقسام غزل در خاقانی..... ۱۲

۷-۲: وفات خاقانی..... ۱۴

فصل سوم: عشق

۱-۳: عشق و محبّت..... ۱۶

۲-۳: محبّت در قرآن..... ۱۷

۳-۳: محبّت در اخبار و احادیث..... ۱۷

۴-۳: محبّت در نظر متکلمان و صوفیان و عارفان..... ۱۸

۵-۳: انواع محبّت..... ۱۹

۶-۳: محبّت در اقوال بزرگان..... ۲۰

- ۳-۷: تعریف عشق ۲۰
- ۳-۸: عشق در آیات و احادیث ۲۱
- ۳-۹: عشق در اصطلاح حکما ۲۲
- ۳-۱۰: ترکیب و تقسیمات مختلف عشق ۲۳

فصل چهارم: عرفان

- ۴-۱: عرفان در لغت ۲۷
- ۴-۲: انواع عرفان ۲۸
- ۴-۳: عناصر و اصول عرفان (وحدت، شهود، فنا، ریاضت، عشق، رمز و راز) ۲۸
- ۴-۴: مراحل عرفان ۳۰
- ۴-۵: مقامات: توبه، ورع، زهد، فقر، توکل، صبر و رضا ۳۱
- ۴-۶: احوال: مراقبت، قرب، محبت، خوف، رجا، شوق، انس، اطمینان، مشاهده و یقین ۳۴
- ۴-۷: عارف ۳۷
- ۴-۸: زاهد ۳۷
- ۴-۹: درویش ۳۷
- ۴-۱۰: تصوف و معانی آن ۳۸
- ۴-۱۱: پیدایش کلمه صوفی و تصوف ۳۸
- ۴-۱۲: پیدایش تصوف در اسلام ۳۹
- ۴-۱۳: مقصد عرفان و تصوف ۴۰
- ۴-۱۴: ویژگی های تصوف از آغاز تا قرن ششم هجری ۴۰
- ۴-۱۵: ظهور و رواج عرفان در ایران ۴۲
- ۴-۱۶: عرفان و شعر فارسی ۴۳
- ۴-۱۷: اصطلاحات عرفانی ۴۴
- ۴-۱۸: عارفان شاعر ۴۴

فصل پنجم: مفاهیم عاشقانه در دیوان خاقانی

- ۵-۱: عشق حقیقی ۴۷
- ۵-۱-۱: اوصاف کلی عشق ۴۹
- ۵-۱-۱-۱: ناتوانی عقل در کار عشق ۴۹

- ۵۳ ۲-۱-۱-۵: اتحاد عاشق و معشوق.....
- ۵۴ ۳-۱-۱-۵: قدرشناسی عشق.....
- ۵۵ ۴-۱-۱-۵: دگرگونی و تحول در عشق.....
- ۵۶ ۵-۱-۱-۵: عشق در این عالم نمی گنجد.....
- ۵۷ ۶-۱-۱-۵: عشق قضای آسمانی است.....
- ۵۸ ۷-۱-۱-۵: بی زوالی عشق.....
- ۵۹ ۲-۱-۵: ویژگی های عاشق.....
- ۶۰ ۱-۲-۱-۵: بی ارزش بودن هر دو عالم از نظر عاشق.....
- ۶۱ ۲-۲-۱-۵: هجران و ناامیدی از وصال.....
- ۶۶ ۳-۲-۱-۵: جان فشانی عاشق.....
- ۷۳ ۴-۲-۱-۵: خطر کردن عاشق (بی باکی).....
- ۷۴ ۵-۲-۱-۵: آتش عشق.....
- ۷۵ ۶-۲-۱-۵: بیم رقیب.....
- ۷۷ ۷-۲-۱-۵: بی قراری عاشق (نیازمندی).....
- ۷۸ ۸-۲-۱-۵: قناعت عاشق.....
- ۷۹ ۹-۲-۱-۵: اشک عاشق.....
- ۸۰ ۱۰-۲-۱-۵: بی صبری عاشق.....
- ۸۲ ۱۱-۲-۱-۵: پنهان کردن راز عشق.....
- ۸۳ ۱۲-۲-۱-۵: همه معشوق دیدن.....
- ۸۴ ۱۳-۲-۱-۵: غم عشق.....
- ۸۷ ۱۴-۲-۱-۵: ملامت عشق.....
- ۸۸ ۱۵-۲-۱-۵: نا امیدی عاشق.....
- ۸۸ ۱۶-۲-۱-۵: تسلیم و مطیع بودن عاشق.....
- ۸۹ ۱۷-۲-۱-۵: غم بهشت و جهنم نداشتن عاشق.....
- ۹۰ ۳-۱-۵: ویژگی های معشوق.....
- ۹۰ ۱-۳-۱-۵: جمال یار.....
- ۹۲ ۲-۳-۱-۵: معشوق درمان درد عاشق است.....

- ۳-۳-۱-۵: در پرده بودن چهره معشوق ۹۴
- ۴-۳-۱-۵: جان بخشی معشوق به عاشق ۹۴
- ۵-۳-۱-۵: خوش ظاهر و بد باطن بودن ۹۵
- ۲-۵: عشق مجازی ۹۵
- ۱-۲-۵: ویژگی های عاشق ۹۷
- ۱-۱-۲-۵: اشک عاشق ۹۸
- ۲-۱-۲-۵: روی زرد عاشق ۱۰۰
- ۳-۱-۲-۵: ناامیدی عاشق ۱۰۱
- ۴-۱-۲-۵: جرئت نداشتن عاشق ۱۰۱
- ۵-۱-۲-۵: غم عشق ۱۰۲
- ۶-۱-۲-۵: هجران و غم وصال ۱۰۳
- ۷-۱-۲-۵: مشتاق عنایت دوست ۱۰۶
- ۸-۱-۲-۵: فرمانبرداری عاشق ۱۰۷
- ۹-۱-۲-۵: جان فشانی عاشق ۱۰۷
- ۲-۲-۵: ویژگی های معشوق ۱۰۸
- ۱-۲-۲-۵: معشوق درمان درد عاشق است ۱۰۸
- ۲-۲-۲-۵: جمال معشوق ۱۰۹
- ۳-۲-۲-۵: جانبخشی معشوق به عاشق ۱۱۴
- ۴-۲-۲-۵: ربودن دل ۱۱۴
- ۵-۲-۲-۵: بی خبری معشوق ۱۱۷
- ۶-۲-۲-۵: ناز معشوق ۱۱۸
- ۷-۲-۲-۵: حيله و نیرنگ ۱۱۹
- ۸-۲-۲-۵: سرشت ناسازگار معشوق ۱۲۰
- ۹-۲-۲-۵: بی رحمی معشوق ۱۲۲
- ۱۰-۲-۲-۵: جفا و ظلم و ستم ۱۲۵
- ۱۱-۲-۲-۵: بی وفایی معشوق ۱۳۱

فصل ششم: مفاهیم عارفانه در دیوان خاقانی

۱۳۴	۱-۶: وحدت
۱۳۷	۲-۶: شهود
۱۳۹	۳-۶: فنا
۱۴۲	۴-۶: ریاضت
۱۴۷	۵-۶: نکوهش دنیا
۱۵۶	۶-۶: توبه
۱۵۷	۷-۶: زهد
۱۶۲	۸-۶: فقر
۱۶۸	۹-۶: توکل
۱۷۰	۱۰-۶: رضا
۱۷۲	۱۱-۶: مراقبه
۱۷۳	۱۲-۶: قرب
۱۷۵	۱۳-۶: شوق
۱۷۷	۱۴-۶: رجا
۱۷۸	۱۵-۶: یقین
۱۷۸	۱۶-۶: اصطلاحات صوفیه

فصل هفتم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۸۱	۱-۷: نتیجه گیری
۱۸۱	۲-۷: پیشنهادات
۱۸۲	۳-۷: منابع و مأخذ

پیشگفتار:

یکی از مهم ترین بحث های ادبیات فارسی موضوع عشق و عرفان است دو مبحث عظیم که از هریک به نوعی در ادبیات ما سخن گفته شده است. عشق اصلی ترین سبب وجود کائنات، که از عشق الهی سرچشمه می گیرد و تا عشق زمینی نزول می کند. عرفان و شناخت حق، که از شناخت آدمی «من عرف نفسه فقد عرف ربه» آغاز می شود و تا شناخت حق صعود می کند.

از آن هنگام که بشر خود را شناخت و تا قرون حاضر همه و همه حدیثی است که به طومار در نمی گنجد و پایانی برای آن قائل نمی توان شد. به همین سبب نگارنده، در پی آن شد که با انتخاب چنین موضوعی و توجه به اهمیت به سزای آن و علاقه درونی خویش به این دو مقوله و اهمیت آن در خویشتن شناسی و خدانشناسی مطالبی را هرچند ناچیز ارائه دهد. در این تحقیق نگارنده سعی نموده که ضمن مشخص نمودن جایگاه مقامات در عرفان اسلامی، تعاریف مختلفی از عرفان ارائه دهد و تا حد امکان به آنها پرداخته شود.

در این دفتر که به توفیق الهی فرصت نگارش آن حاصل شد به بررسی افکار و عقاید شاعر بزرگ و توانمند خطه شروان که در ابتکار مضامین بدیع و خارق العاده استاد بوده می پردازیم و در کنار زوایای زندگی این شاعر بی نظیر و اشعار زیبای او، جست و جویی آغاز می کنیم برای یافتن ردپایی از سلوک عرفانی که راهنمایان در زندگی و ذخیره ای برای آخرت گردد و در می یابیم که عشق با معشوق حقیقی ارزش پیدا می کند؛ چراکه معشوق باید امری معنوی باشد تا آنکه بعضی آن را دریابند و عده ای از دریافت آن محروم باشند.

در فصل دوم این پروژه، زندگی پر فراز و نشیب این شاعر بی نظیر توضیح داده شده و نگاه او به عشق و عرفان تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته و آثار و معاصران وی معرفی شده اند.

در فصل سوم تعاریف فلسفی عشق بیان گشته و انواع عشق و تقسیمات آن مطرح گشته است. هم چنین عشق در آیات و احادیث و اصطلاح حکما مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل چهارم این تحقیق تعاریف عرفان و احوال و مقامات عارف ذکر شده و توضیحاتی در مورد آنها ارائه شده، هم چنین تعریف واژه های عارف، زاهد، درویش و تصوّف بیان گشته و در مورد رواج و ظهور عرفان در ایران و در شعر فارسی و در مورد عارفان شاعر و اصطلاحات عرفانی آنها مطالبی هرچند ناچیز ارائه گشته است.

در فصل پنجم به بررسی اشعار عاشقانه خاقانی پرداخته شده، که بیشتر شامل غزلیات او می شود و عشق زمینی که بیشتر این ابیات را به خود اختصاص داده بیان گشته و تعدادی از ابیات نیز که اشاره به عشق عرفانی داشته ذکر شده است و تقسیم بندهایبدر مورد اوصاف کلی عشق و ویژگی های عاشق و معشوق به صورت مجزا انجام شده است؛ و نمونه ابیات موجود در دیوان خاقانی ذکر گردیده است.

در فصل ششم به بررسی نمونه های اشعار عرفانی در دیوان خاقانی پرداخته شده است و طبق تقسیم بندیهای عرفانی که در فصل چهارم انجام گرفته است؛ نمونه هایی از ابیاتی که در مورد مقامات واحوال عارفان در دیوان موجود بوده، بررسی شده است.

فصل اول
کلیات تحقیق

۱-۱: عنوان تحقیق:

مفاهیم عاشقانه و عارفانه در دیوان خاقانی

۱-۲: بیان مسأله تحقیق

خاقانی شروانی از شاعران بزرگ سده ششم هجری است؛ که از خطه آذربایجان برخاسته است، خاقانی هم شخصیتش و هم شعرش دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که نیاز به بررسی عمیق دارد. شخصیت خاقانی فی نفسه خود مبحث جداگانه‌ای می‌طلبد اما آنچه در باب فکر و اندیشه او نیاز به بررسی و تحقیق دارد، تحلیل مفاهیم عارفانه و عاشقانه است که یکی از موضوعات مهم و چه بسا ضروری شعر این شاعر دیر آشناست.

خاقانی در سرودن موضوعات مختلف استاد بود و در مورد موضوعات زیادی به تناسب حال سخنوری کرده است. یکی از این موضوعات که تعداد زیادی از اشعار او را به خود اختصاص داده است، عشق و عرفان است. به خصوص که این شاعر از اهل زمانه، رنجیده خاطر بود و در اواخر عمر و بعد از فاصله گرفتن از دربار و مدح و ستایش امیران به گوشه نشینی و عزلت روی آورده است و از آن به بعد بود که این شاعر به سرودن اشعار عاشقانه و عارفانه پرداخته است. او به مقامات سیر و سلوک عرفانی آگاه و آشنا بوده و بسیار رسا و زیبا به سرودن چنین اشعاری پرداخته است. همچنین در اشعار عاشقانه نیز بسیار زیبا و دلنشین به لب و رخ زیبای یار و ... توجه نموده و در بعضی موارد در اشعارش از طریق عشق زمینی به عشق الهی دست یافته است.

۱-۳: پرسش‌های تحقیق

در این رساله تلاش بر این بوده است تا به برخی از این سؤالات پاسخ داده شود، نظیر اینکه مفهوم علمی عشق چیست؟ عرفان یعنی چه؟ دیدگاه مخاطبین ادبیات نسبت به موضوع عشق و عرفان چگونه است؟ خواص (ادبیاتی‌ها) در باب عشق و عرفان به خاقانی چه نظری دارند؟ دیدگاه خاقانی در مورد عشق و عرفان چیست؟

۴-۱: اهمیت و ضرورت تحقیق

مشخص کردن موضوع عشق و عرفان در دیوان خاقانی، می‌تواند برای جامعه ادبی ما خصوصاً و جامعه علمی کشور ما عموماً مفید واقع شود. برای اینکه این یک موضوع کاربردی بنیادی در فرهنگ و ادبیات ما به حساب می‌آید و راه‌گشای بسیاری از سؤالات در ذهن خوانندگان دیوان خاقانی می‌باشد.

۵-۱: پیشینه تحقیق

در باب عشق و عرفان بعضی از شاعران، کارهای زیادی در حوزه ادبیات انجام شده است. اما تاجایی که تحقیق کرده‌ام، این موضوع در باب خاقانی انجام نگرفته است. لذا به نظر می‌آید موضوعی جالب و بکر و دست اول باشد و نظر جویندگان در مورد خاقانی را به خود جلب کند.

۶-۱: اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق، بررسی مباحث عشق و عرفان از دیدگاه‌های مختلف است. این دو مفهوم در اشعار بسیاری از شاعران فارسی گوی رواج داشته است ولی هر یک از شاعران با توجه به دوره و زمان خاص خود و اندیشه‌های والای خود، از آن، تعبیرات گوناگون و نتیجه‌گیری‌های مختلف کرده‌اند. عشق و عرفان در هر دوره از تاریخ ادبیات فارسی مفهوم خاص خود را داراست. در این تحقیق سعی شده است با تحلیل شعرهای خاقانی در سده ششم هجری مفهوم واژه‌های عارفانه و عاشقانه این شاعر مورد بررسی قرار گیرد.

۷-۱: روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از یادداشت و فیش برداری از منابع و مراجع، هم‌چنین با مراجعه به کتابخانه‌ها و گردآوری اطلاعات و در نهایت تقسیم‌بندی فیش‌ها و داده‌ها انجام گرفته است. و در ابتدا مضامین و تعاریفات مختلف عشق و عرفان و دیدگاه‌های فلسفی آنها مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت این مفاهیم، در اشعار شاعر بزرگ پارسی گوی خطه شروان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم

زندگی نامه خاقانی

۲-۱- تولد و دوران حیات

افضل الدین بدیل بن علی نجّار، خاقانی شروانی در سال ۵۲۰ هـ.ق از پدری نجّار به نام علی و مادری نسطوری تازه مسلمان که پیشه او طبّاحی بود در شهر شروان متولد شد. جدّ خاقانی پیشه جولا‌هگی داشت و خاقانی در این باره چنین گفته است:

جولاهه نژادم از سوی جد
در صنعت من کمال ابجد

(فروزانفر، ۱۳۷۹، ص ۹)

او از کودکی در دامان عموی خود کافی الدین عمر عثمانی پرورش یافت که وی مردی فیلسوف و ادیب و طبیبی عالیقدر بود او مانند پدری مهربان به تعلیم و تربیت او همّت گماشت. گویند چون پدرش اصرار داشت شغل او را پیشه خود سازد و او مخالف بود، نزد عمویش رفته و مدت هفت سال در کنف حمایت و پرورش عموی خود بوده است. (همان، ص ۱۱)

دیری نگذشت که در پرتو نبوغ و همّت خود در علوم ادب و لغت و قرآن و حدیث و داستان و قصص انبیا و سایر فنون و علوم زمان به کمال رسید و دارای نیروی خلاقه‌ای در شعر شد که به آفرینش و خلق آثار شعری و هنری دست زد و از عموی خود، کافی الدین، «حسان العجم» لقب گرفت. در بیست و پنج سالگی عمویش که پرورش دهنده و حامی او بود درگذشت. مدتی هم از تربیت پسر عمّ خود وحیدالدین عثمان برخوردار بود؛ ولی بعد از درگذشت عمویش چون استعداد سرشاری در فراگیری علوم داشت به ناچار به شاعر معروف زمان خود ابوالعلا گنجوی که استاد شعرا بود روی آورد. او نیز به تربیت خاقانی همّت گماشت و او را به خاقان اکبر منوچهر شروانشاه معرفی کرد و تخلّص «خاقانی» را برای او گرفت و دختر خویش را نیز به او داد. (همان، ص ۱۲)

تخلّص خاقانی پیش از این «حقایقی» بود و از این زمان «خاقانی» تخلّص کرده و به آن مشهور شد. خاقانی نزد شروانشاه قربت و مکانت جست و درجه و مقام او از استاد درگذشت و به این جهت کار اختلاف استاد و شاگرد بالا گرفت و به هجو یکدیگر پرداختند. خاقانی بعد از مدتی از خدمت شروانشاه ملول شد و آرزوی خراسان و عراق و آشنایی و دیدار با استادان خراسان یافت و با اجازه شروانشاه از راه ری عازم آن دیار شد. (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱)

در ری سخت بیمار شد و از طرفی خراسان، بر اثر فتنه غز در سال ۵۴۸ و حبس سلطان سنجر هرج و مرج و آشوب بود بنابراین او از این مسافرت صرف نظر کرد و به آذربایجان و به شهر خود شروان برگشت و او تا پایان عمر در آرزوی رفتن به خراسان بود. چندی بعد برای زیارت کعبه و گزاردن حج از شروانشاه اجازه سفر خواست و به عراق عجم آمد و در همدان به خدمت سلطان محمدبن محمودبن ملکشاه سلجوقی رسید. سپس به عراق عرب و بغداد و کوفه و از راه بادیه به مکه و مدینه رفت و با معرفی این وزیر به خدمت المقتفی بالله خلیفه عباسی رسید و خلیفه به او تکلیف

شغل دبیری کرد؛ ولی چون سرگرم سرودن تحفه‌العراقین بود نپذیرفت. در راه بازگشت، خاقانی کاخ مداین را دید و قصیده‌ای غرّاً که از شاهکارهای اوست؛ سرود. در سر راه خود و ورود به اصفهان، قصیده‌ای در وصف اصفهان و اعتذار از هجوی که مجیرالدین بیلقانی درباره آن شهر سروده و به خاقانی نسبت داده بود، انشا کرد. (همان، ص ۱۶)

در بازگشت به شروان باز خاقانی به دربار شروانشاه پیوست ولی بین او و شروانشاه به علت سعایت ساعیان کدورتی پیش آمد و به حبس این شاعر منجر شد. حبس او سبب سرودن چند قصیده حبسیه زیبا شد که در لطف و انسجام کم نظیر بود. خاقانی در سال ۵۶۹ در زمان پادشاهی اخستان، قصیده‌ای در مدح عصمت الدّین خواهر منوچهر سرود و از او خواست که برای گرفتن اجازه سفر حج او را شفاعت کند و این شاعر برای بار دوم به سفر حج رفت. چون از این سفر دوم حج بازگشت، فرزندش رشیدالدّین در عنفوان جوانی در سنّ بیست سالگی به سال ۵۷۱ درگذشت. این حادثه شاعر را سخت متأثر کرد و مراثی سوزناکی سرود. (همان، ص ۱۷)

چندی از این واقعه نگذشته بود که مادر و خواهر خردسال رشیدالدّین نیز سر در نقاب خاک کشیدند و این شاعر بیشتر ماتم زده و عزادار شد و از این پس خاقانی ترک علائق کرده و گوشه عزلت برگزید. خاقانی را سه پسر بوده است. رشیدالدّین، مویدالدّین و عبدالمجید و او سه دختر نیز داشته است از سه دختر او یکی سه روز پس از تولد از دنیا رفته است و دو دختر دیگر او را به شوهر داده است. دامادان خاقانی یکی شهاب الدّین و دیگری مشیرالدّین نام داشته است. (خالقی، ۱۳۸۷، ص ۱۹)

۲-۲: شاعران معاصر خاقانی

قرن ششم یعنی روزگار خاقانی از مهم ترین دوران مهم ادبیات فارسی است. در این قرن شعر فارسی از خراسان تا آذربایجان و عراق و عجم گسترش یافت به این دلیل خاقانی با شاعران مشهوری در نواحی خراسان آشنا شد. یکی از مشهورترین شاعران معاصر این شاعر، جمال الدّین عبدالرزاق اصفهانی پدر کمال الدّین اسماعیل و از شاعران بنام اصفهان بود و از قصیده سرایان برجسته قرن ششم در ناحیه عراق عجم به شمار می‌آمد او پس از قصیده هجو اصفهان منسوب به خاقانی، قصیده‌ای خطاب به او سرود و ادعاهایش را درباره برتری توان و قدرت شاعری مورد تردید قرار داد؛ اما پس از ابیاتی طنزآمیز و تعریفی از آنچه گفته بود، باز می‌گردد. (امامی، ۱۳۷۵، ص ۲۶)

دیگر شاعر معاصر او ابوالعلا گنجوی است که استاد و معلّم او در فنون شعر بوده و دختر خود را به نکاح او درآورد. اما پس از ورود خاقانی به دستگاه شروانشاه و برتری جویی خاقانی، بین آنها کدورت پیش آمد که منجر به دشمنی شد و هریک بی پروا به هجو یکدیگر پرداختند. رشید و طواط از دیگر شاعران معاصر اوست که با او پیوند و مکاتبه و مشاعره داشته است؛ ولی دوستی این دو به علل نامعلومی به کدورت انجامید و منجر به هجو یکدیگر شد. (فروزانفر، ۱۳۷۹، ص ۲۳)